

از: «آرنولد توینبی» مورخ بزرگ معاصر

ترجمه غلامحسین صالحیار

# تنها راه صلح

## در خاورمیانه

تأمیر مردم فلسطین آواره باشند، صلح پایدار غیر ممکن است

در میان مطالب بی شماری که پس از چهارمین جنگ اعراب و اسرائیل در مطبوعات جهان، درج گردید، مقاله زیر به طرز جالبی مسائل اعراب و اسرائیل را موشکافی کرده است.

اصل این مقاله در روزنامه ژاپنی انگلیسی زبان «یومیوری» درج شده و نویسنده آن: «آرنولد توینبی» یکی از بزرگترین مورخان جهان معاصر است. او انگلیسی است ولی پیش از آن به همه جهان غرب تعلق دارد و ما دریغمان آمد خوانندگان از نظرات او درباره خاورمیانه آگاه نشوند.

### مهاجر متجاوز!

دو عامل مهم جدید، در صحنه خاورمیانه پدیدار شده است: نخست آنکه اسرائیل نسبت به هر سه جنگ قبلی خود با اعراب با مقاومتی بسیار شدیدتر

از گذشته روبرو شده و تلفات و ضایعات سنگین تری را متحمل گردیده است، دوم آنکه آمریکا تنها که بدون پشتیبانی آنان، اسرائیل نمیتواند روی پای خود بایستد، برای اولین بار در برابر تهدید از

مکتب اسلام

جنوبی، و کلنی نشینهای چینی در تبت، معارضان اصلی نظام جهان امروزند.

این سؤال پیش می آید که آیا مهاجرت، اختصاص به همین ها که اسم برده شدند دارد؟ نه - بسیاری از اقوام جهان در پاره ای از مراحل تاریخ خویش بصورت مهاجر در آمده اند. انگلیسی ها قبل از تجاوز به ایرلند، بریتانیایی ها را به «ولز» راندند. ژاپنی ها قوم اینو Aino را به «هو کایدو» ریختند و همین معامله را که تصادفاً از وقوع آن زمان درازی نگذشته است، آمریکاییها در حق سرخ پوستان روا داشتند.

### شیوه جنایتکارانه

وقتی شکاف فرهنگی میان مهاجر و قربانیان او وسیع است، مهاجر ممکنست باین نتیجه برسد که قربانیانش هیچگونه حقوق انسانی ندارند، این شیوه تفکری جنایتکارانه است چه هر بشری صاحب حقوق انسانی است با وجود این آمریکاییها بتدریج در باره قربانیان سرخ پوست خویش به چنین نتیجه ای رسید و به نظر من در باره قربانیان عرب کفوردست نشانده خویش؛ یعنی اسرائیل نیز همان احساس را پیدا کرده اند.

آمریکاییها به سادگی این تراز اسرائیل را که اعراب فلسطین مردمانی فروتر هستند می پذیرند و باور دارند که با سرکوبی اهالی بومی فلسطین، اسرائیل مرزهای تمدن را گسترش می بخشد... میان آمریکاییها شاید معدودی یافت شوند که

خودگذشتگی شخصی قرار گرفته اند تهدیدی که در تمام خانه های ایالات متحده آمریکا احساس خواهد شد.

هم اکنون آمریکا مسأله کمبود جدی نفت را از نزدیک لمس میکند. کشورهای عربی صادرکننده نفت حوزه خلیج فارس اینک منبع اصلی تدارک ذخایر خارجی نفت آمریکا هستند و اگر نفت آنها قطع شود، یافتن سریع منابع جانشین، کاری آسان نیست. احتمال این هست که اثر تحریم نفتی اعراب بر سیستم تهویه حرارت مرکزی و حرکت اتومبیل های آمریکائی، فلج کننده باشد.

آیا مردم آمریکا آنقدر فدائی اسرائیل هستند و آنقدر نسبت به تصحیح خطاهائی که اسرائیل در حق اعراب روا داشته بی اعتنا که حاضرند تسلیم سیاستی گردند که نتیجه آن تن دادن به تحمل کمبودهای دردناک در زندگی شان باشد؟

این نکته بر ما معلوم نیست و تاکنون هم درجه فداکاری آمریکائیها به خاطر اسرائیل در بوته یک آزمایش واقعی قرار نگرفته است.

حالا به بینیم چرامیان اعراب و اسرائیل خصومتی چنین تلخ اتفاق افتاده است؟ دلیلش آنست که اسرائیلیها مهاجر هستند درست مثل پروتستان ها در ایرلند شمالی و سفید پوستان در آفریقای جنوبی. مهاجر متجاوز بیگانه است که جانشین ساکنین قانونی کشوری میشود و آنها را زیر انقیاد خود درمی آورد. اسرائیلیها، پروتستانهای ایرلند شمالی، سفید پوست های آفریقای

سازد با آنکه آلمان نازی مرتکب کشتار گروهی یهودیان شد، اما اسرائیلیها انتقام خود را از اعراب گرفتند که در این میان مرتکب هیچ جنایتی نشده بودند، نه غریبها که در واقع گناهکار اصلی بشمار میروند، و از این رو خیال غریبها را آسوده ساخته اند!

### قربانیان تجاوز:

به کرات دیده شده است که مهاجران متجاوز قربانیهای خود را بکلی از پای در آورده و نابود کرده اند امروزه حتی در «هوکایدو» که ژاپنیهای مهاجر «تیره انبو» را با آنجا راندند، به ندرت میتوان با افرادی که از این طایفه باقی مانده اند روبرو شد. در بریتانیا مهاجران انگلیسی زبان، اهالی آنرا نابود کردند و اینک بقایای این زبان را فقط در شمال ایالت «ولز» میتوان مشاهده کرد. وغالب با زمانندگان سرخپوستان آمریکا نیز امروز محدود به دسته هائی پراکنده استثنائی گردیده اند. از طرف دیگر آن دسته از آفریقائیهای سیاه که از بردگی و انتقال به آمریکا جان سالم بدر بردند، با سیاهان آفریقای جنوبی، اینک زیر سلطه رژیمهای شبه نازی هستند که سلطه جویان سفید بر آنها تحمیل کرده اند.

درباره پروتستانهای مهاجر اسکاتلندی و انگلیسی در ایرلند باید گفت که پس از گذشت ۳۰۰ سال آنان هنوز در برابر قربانیان ایرلندی خویش در حالت دفاعی باقی مانده اند.

اعراب فلسطینی نیز از خود همان تحمل و ظرفیت باقی ماندن در برابر مهاجران را که ایرلندیها داشتند، دارند منتهی در اوضاع و احوال معکوس نشان

بفلسطین عرب امروز آشنائی دست اولی داشته باشند، اما بسیاریند کسانی که کتاب مقدس را خوانده اند و پاره ای از آنها اعتقاد دارند که مطالب این کتاب موجود وحی آسمانی است از نظر این آمریکائیان، فلسطین، همان «سرزمین موعود» است که در عصر کتاب مقدس در دست اسرائیلیها بوده است و این آمریکائیهاسادگی این عقیده را می پذیرند که یهودیهای صهیونست مهاجر امروز، بیش از اعراب فلسطین امروز در فلسطین حق دارند گو آنکه همین اعراب دوران توقفشان در فلسطین به همان اندازه است که قهر نهایش اسرائیلیهای عتیق در آن بسر برده اند.

ترجیح دادن اسرائیلیها بر اعراب از طرف سیاستمداران آمریکائی، دلیل دیگری نیز دارد: آراء یهودیان آمریکا، بویژه توده یهودیان نیویورک بمنزله کلیدی برای پیروزی در انتخابات است و اکثریت یهودیان آمریکائی، صهیونست هستند.

یک مسأله دیگر آنکه وجدان غریبها در برابر اسرائیلیها جریحه دار است چه از زمان تسلط مسیحیت بر دنیای غرب، غالب غریبها هر تیره به نحوی برای مدتی طولانی به آزار یهودیان پرداخته اند در زمان خودما، آلمانیهای نازی کوشیدند نسل یهودیان را براندازند.

صهیونیسم در واقع بازتاب احساس یهودیان به مصائبی است که مسیحیت غرب بر آنها روا داشته و پشیمانی از صهیونیسم در حقیقت بهای ارزانی است که وجدان جریحه دار شده مسیحیت غرب را آسوده

محسوب می‌شود در حال حاضر متأسفانه اجرای کامل عدالت دیگر امکان پذیر نیست گرچه هر عرب فلسطینی اخلاقاً حق دارد سرزمینی که از آن رانده شده بازگردد و اموالی را که از او غارت گردیده دوباره تصاحب کند اما پیاده کردن این نقشه، در مورد اکثریت پناهندگان فلسطینی که خانه‌های پدری آنان در خاک امروز اسرائیل یعنی غرب خطوط آتش بس سال ۴۹-۱۹۴۸ قرار داشتند، دیگر بسختی قابل اجرا است.

**صلح در خاور میانه برقرار نخواهد شد مگر آنکه فلسطینی‌ها از خود دارای یک سرزمین ملی باشند که در آن احساس امنیت کنند.** این سرمایه‌گذاری انسانی از لحاظ مالی گران خواهد بود اما اشکالاتی که در راه اجرای این نقشه وجود دارند اشکالات مالی، بلکه موانع سیاسی است.

منابع مالی برای ایجاد یک سرزمین ملی در فلسطین از چند ناحیه باین شرح قابل تأمین است اگر صلح دوباره در خاور میانه مستقر شود، کمکی که اینک کشورهای ثروتمند نفتخیز عربی بدیگر کشورهای عرب میکنند می‌توانند بجای آنکه برای خرید اسلحه بکار رود در راه تجدید ساختمان زندگی در هم-گسیخته اعراب فلسطین مورد استفاده قرار گیرد از طرف دیگر حداقل سه کشور ثروتمند غربی از لحاظ اخلاقی متعهد هستند که در راه اجرای این منظور پول خرج کنند. نخستین این سه کشور، انگلیس است. چه این اعلامیه «بالفور» و بدنبال آن ۳۰ سال تسلط انگلیس بود که به صهیونیستها امکان

داده‌اند. اذ اعراب فلسطینی به ناحق خلع ید شده‌است. آنها مورد تجاوز و غارت قرار گرفته‌اند. و در خاور میانه صلح برقرار خواهد شد مگر آنکه با آن از رفتار، نصفانه - تری در پیش گرفته شود و به این مردم چیزی داده شود که بتوانند با آن زندگی کنند.

طی چهار صد سالی که با جنگ اول جهانی و پایان سلطه امپراطوری عثمانی بر فلسطین مشخص میشود، هرگز پناهنده فلسطینی وجود نداشته و درست به همین دلیل چریک فلسطینی و تروریست فلسطینی نیز دیده نشده است.

**فلسطینی‌ها مردمی توانا و هوشیارند:** اگر با هم با آنها رفتاری متصفانه در پیش گرفته شود، وجودشان بفتح جهان بکار خواهد رفت اگر خوبشان بدان آنها در دیگر کشورهای عربی با اسرائیل در افتاده‌اند بخاطر آنست که بخود حق میدهند از جانب فلسطین سخن بگویند و در مسائل مربوط به آن، مداخله کنند این مداخله طبیعی و قانونی است، اما اگر ستمهایی که در حق مردم فلسطین رفته است جبران نشود و اگر اسرائیلی‌ها سرزمینهایی را که در خاک مصر - اردن و سوریه، از سال ۱۹۶۷ اشغال کرده‌اند تخلیه نمایند انگیزه اصلی مناقشه اعراب و اسرائیل بر طرف خواهد شد (۱۱)

### کلید صلح:

انگیزه اساسی این مناقشه، قربانی کردن مردم عرب فلسطین، توسط اسرائیل است و از این رو تأمین عدالت برای فلسطینی‌ها کلید صلح خاور میانه

تجدید اسکان پناهندگان فلسطینی جای پای خود ادر فلسطین محکم کنند .

دومین کشور مسؤل غرب آلمان است البته نه آلمان آقای « برانت » بلکه آلمان هیتلری، با وجود این، آلمان امروز نمیتواند مفت و مسلم خود را از میراثی که « هیتلر » برایش بجا گذاشته است، پرهاند چه این هیتلر بود که با ایجاد سرخوردگی کامل در میان یهودیان اروپا، باد به آسباب صهیونیسم دمید، آتشین خوئی شبه نازی اسرائیلیهای سابقاً اروپائی، مستقیماً ناشی از آتشی است که کشتارهای دستجمعی نازیها، در روح پدران نشان مشتعل ساخته است . سومین کشور مسؤل غرب آمریکا، است .

چون پس از جنگ دوم جهانی که انگلیسها از وضع فلسطین خسته شده بودند، پرزیدنت « ترومن » رتق ورتق امور فلسطین را از دست انگلیسها خارج کرد و خود بر عهده گرفت . لاقلاً تا موقعیکه کار دست انگلیسها بود، آنها سعی داشتند که تا حدی تعادل را میان مهاجران یهودی و اعراب فلسطینی برقرار کنند . اما ترومن بیرحمانه این تعادل را بنفع یهودیان مهاجر برهم زد و از آن تاریخ بید دولت و مردم آمریکائی بدون هیچ احساس شرمساری همواره با سر سختی از اسرائیل جانبداری کرده اند .

آمریکا اینک در خاور میانه به روی گرد پاداشسته است . همانگونه که در آسیای جنوب شرقی این وضع را پیدا کرد . پول، کفاره گناهان گذشته را نمی دهد اما اگر آمریکا، انگلیس و آلمان اینکار را بکنند لاقلاً از راه کمکهای مالی قابل توجه برای

تأمین بقای اسرائیل خرج کرده اند .

تأمین منابع مالی، برای تجدید اسکان اعراب فلسطین، آسان است این مشکلات سیاسی است که مسأله را بسیار بفرنج می سازد و موانع غول آسائی در راه اجرای آن پدید می آورد .

« مرزهای استراتژیک » اسرائیل را نجات نخواهد داد و جنگ چهارم اعراب و اسرائیل این مسأله را بخوبی روشن کرد .

### نزول :

اگر اسرائیل در حفظ خطوط آتش بس ۱۹۶۷ موفق شود و حتی اراضی عربی تازه ای علاوه بر آن اشغال کند در حقیقت خود را محکوم بسرنوشت مهاجران پروتستان در ایرلند شمالی کرده است و این سرنوشتی برآستی غیر قابل تصورات است . چه زندگی، در شرایط وحشت و تزلزل، دائمی نیست . با این تفصیل آیا می توان اسرائیل را متقاعد به تخلیه اراضی اشغال شده کرد ؟ آیا امکان دارد که سرانجام با زور اسلحه و ارتش اعراب، او را بانجام

زمانیکه فلسطینها احساس نکنند دوباره خانه‌ای از خود دارند درخاورمیانه صلح مستقر نخواهد شد .  
 بنابراین صلح درخاورمیانه وضعی معلق دارد .  
 دولت اردن در «عمان» و نسل قدیم پیش تازان صهیونیست در «تل آویو» هر کدام این قدرت را در اختیار دارند که با اجرای عدالت درباره فلسطینی‌ها صلح را درخاورمیانه مستقر سازند .  
 ادامه ظلم و ناآرامی درخاورمیانه؛ رای جهان‌غیر قابل تحمل است و دنیا قدرت آنرا دارد که یک راه حل منصفانه را اگر انتخاب شود ، به طرفین تحمیل کند ، هرچه زودتر بهتر !

نقل از «اطلاعات» شماره ۱۴۲۴۳

این کاروادر ساخت ؟ در چنین صورتی تصور نمی‌رود که حمله متقابل اعراب فقط تا خطوط آتش بس سال ۹ - ۱۹۴۸ محدود بماند .

این مسأله‌ای است که اتخاذ تصمیم درباره آن بخود اسرائیلیها مربوط میشود . اما در اینجا مسأله‌ای نیز از لحاظ اردن مطرح است که حل آن به تصمیم این کشور ارتباط دارد .

آیا ملت اردن مایل است که خود را بصورت سرزمین ملی اعراب فلسطین درآورد ؟ اکثریتی از مردم ماوراء اردن در ساحل غربی ، نسب فلسطینی دارند ، تا زمانیکه این مسأله را اردن بصورتی صریح روشن نکند، فلسطینی‌ها این احساس را نخواهند داشت که درخانه خویش بسر میرند و تا

## مجلس گناه

امام صادق (ع) می‌فرماید :

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَجْلِسُ مَجْلِسًا يُنْتَقَصُ فِيهِ

إِمَامٌ أَوْ يُعَابُ فِيهِ مُؤْمِنٌ

کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد ، باید از مجلسی که در آن پیشوای

مسلمین مورد حمله قرار می‌گیرد و یا بدگویی به فرد با ایمانی می‌شود ،

کناره‌گیری کند .